



تحلیل چالش‌های مشارکت زنان در مدیریت نواحی روستایی (مورد مطالعه: دهستان لواسان کوچک، شهرستان شمیرانات)

حسنعلی فرجی سبکبار، دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

بهمن طهماسی^{۱*}، دانشجوی دکتری گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

فاطمه سلیمی، دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۴

چکیده

مشارکت به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه پایدار شناخته می‌شود. طی دهه‌های گذشته مشارکت زنان به شکل قابل توجهی در فرایند برنامه‌های توسعه در دستور کار قرار گرفته شده است. چراکه صاحب نظران معتقد هستند بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها هیچ توسعه‌ای کامل و پایدار نخواهد بود. هدف از پژوهش حاضر شناسایی و تحلیل مهمترین موانع و چالش‌های پیش روی مشارکت زنان در مدیریت روستاهای دهستان لواسان کوچک است. این مقاله به لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات به صورت تلفیقی از روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و روش‌های میدانی و تکمیل پرسشنامه با توجه به شاخص‌های استخراج شده از مطالعات نظری استفاده شده است که این موضوع روایی علمی شاخص‌ها را نشان می‌دهد. و جهت اعتبارسنجی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ (۰/۷۸) استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل جمعیت زنان ۱۵ آبادی دارای سکنه در دهستان لواسان کوچک است. جمعیت زنان دهستان لواسان کوچک برابر با ۲۵۹۵ نفر بوده است. که از این تعداد بر اساس فرمول کوکران ۳۳۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده است و بر اساس حجم نمونه تعداد پرسشنامه‌ها در هر روستا تعیین و توزیع گردید. جهت تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی در نرم افزار SPSS استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد هشت عامل؛ ساختارهای اجتماعی، ویژگی‌های فردی زنان، عدم مهارت و آگاهی کافی، دسترسی محدود، فرهنگ و سنت، نابرابری در فرصت‌ها، محدودیت تردد و جبر و وابستگی به عنوان مهمترین موانع و چالش‌های مشارکت زنان در مدیریت روستایی دهستان لواسان کوچک شناسایی شده‌اند.

واژگان کلیدی: مشارکت زنان، مدیریت روستایی، دهستان لواسان کوچک.

^{۱*} نویسنده مسئول Email: bahman.tahmasi@ut.ac.ir

نحوه استنادی به مقاله:

فرجی سبکبار، حسنعلی، طهماسی، بهمن، سلیمی، فاطمه (۱۴۰۰). تحلیل چالش‌های مشارکت زنان در مدیریت نواحی روستایی (مورد مطالعه: دهستان لواسان کوچک، شهرستان شمیرانات). فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی. سال دوم، شماره ۲ (۶). صص ۶۶-۵۱. Doi:10.52547/gsama.2.2.51

۱. مقدمه

مشارکت به عنوان یک مسیر توسعه و یکی از هدف‌های توسعه پایدار است. یکی از شاخص‌هایی که در توسعه پایدار مورد سنجش قرار می‌گیرد، میزان مشارکت زنان در جامعه است. در مطالعات اخیر نشان داده می‌شود که دستیابی به مدیریت پایدار بدون مشارکت زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امکان پذیر نیست. عوامل اجتماعی و فرهنگی و نگاه متفاوت جامعه از زن و مرد، موانع مهمی را برای مشارکت زنان به وجود آورده است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲: ۶).

امروزه بسیاری از صاحب نظران علوم اجتماعی بر این باور هستند که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود (لوسیندیلو^۱ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱). این موضوع به ویژه در کشورهای در حال توسعه که درصد بالایی از جمعیت آن‌ها در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و با توجه به نقش مهم زنان در فعالیت‌های اقتصادی روستا از اهمیت بیشتری برخوردار است (رضایی و ودادی، ۱۳۹۳: ۵۰۲).

مشارکت عبارت است از رشد توانایی‌های اساسی بشر از جمله شان و منزلت انسانی در مسئول ساختن بشر برای باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل، به نحوی که سنجیده و از روی فکر باشد. اما نتایج تحقیقات مختلف نشان داده است که توسعه با عمیق‌تر کردن فاصله بین درآمد مردان و زنان، کمکی به بهبود زندگی زنان نکرده، بلکه دارای اثرات ناخوشایندی برای آنان بوده است (دادورخانی و موسوی، ۱۳۹۹: ۱۶۲). مشارکت ابزاری برای افزایش و توزیع مجدد فرصت‌ها برای شرکت در تصمیم‌گیری‌ها اجتماعی، اقتصادی، کمک و همکاری در فرایند توسعه و بهره‌مند شدن از آثار و نتایج آن است (خانی و چوپچیان، ۱۳۹۱).

۱۴۳). از اوایل دهه هفتاد توجه به مشارکت زنان در فرایند توسعه فزونی گرفت و موضوع زنان در توسعه‌بخشی از نظریات توسعه شد. توجه به نقش زنان در توسعه نیز ناشی از دو واقعیت مهم «عدم تحقق کلی نظریات در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم» و «وضعیت نامطلوب اجتماعی-اقتصادی زنان» در این کشورها بود (قاسمی و ذاکری، ۱۳۸۹: ۸). نظریه‌های تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در زمینه مشارکت و توانمندسازی، بر این نکته تاکید دارد که زنان نه تنها باید نابرابری‌های موجود بلکه ساختار مولد نابرابری را در سطوح گوناگون زیر سوال برده و با آن مبارزه نمایند (دیرو^۲ و همکاران، ۲۰۱۸: ۵).

گاهی دستیابی زنان به درجه‌های عالی عجیب و غیر قابل تحمل انگاشته می‌شود زیرا تصور غالب این است که زنان باید در حاشیه باشند و در راس امور قرار نداشته باشند اما با بررسی و نقد وضعیت زنان در جوامع مختلف در سراسر دنیا به امری جدی تبدیل گشته و حضورشان در تشکیل نهادها و سازمان‌های دفاع از حقوق زن، خود موید این واقعیت است که باید در رسیدن به توسعه، موفقیت زنان در جامعه احساس شود و توانمندی آن‌ها باور شود لذا از سال ۱۹۹۰ زنان به عنوان عامل کلیدی توسعه پایدار مطرح شدند و برابری، مشارکت و توانمند سازی آن‌ها به عنوان رهیافتی کل نگر در جهت ایجاد انگاره و فرایند نوین توسعه اجتماعی مورد توجه قرار گرفت (هانندی^۳ و همکاران، ۲۰۰۴: ۳). در همین زمینه لازم به تشریح است که زنان روستایی در سه بازتولید زیست‌شناختی، اجتماعی و بازتولید نیروی کار در روستا نقش اساسی دارند که با توجه به کلیشه‌های جنسیتی به حاشیه رانده می‌شوند. در اغلب کشورهای جهان سوم از جمله ایران زنان روستایی با وجود

² Diiro

³ Handy

¹ Losindilo



سازمان ملل متحد توانمندسازی زنان را به عنوان یک عامل کلیدی در کاهش شکاف‌های جنسیتی و در راستای توسعه روستایی مد نظر قرار داده‌اند (دیرو^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۲). در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، راهبردهایی برای رفع موانع مشارکت زنان اتخاذ شده است که توانمندسازی زنان یکی از راهبردها محسوب می‌شود که تنها به معنای بهره‌مندی زنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست، بلکه نیازمند مشارکت فعال آن‌ها در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه است (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶). زمانی که زنان روستایی از بعد اقتصادی و اجتماعی رشد پیدا کنند به عنوان پتانسیل و نیروی انسانی توسعه در نظر گرفته شوند، این عامل سرآغازی برای رشد و بهبود مدیریت نواحی روستایی است (بانک جهانی^۲، ۲۰۱۲: ۵).

مدیریت جدید توسعه روستایی باید درک توسعه محلی، متجلی ساختن ابتکارها، جمع‌گرایی و مشارکت را در دستور کار خود قرار دهد و توانایی تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاهای روستایی را نیز داشته باشد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲: ۲۳۰). امروزه بهترین رویکرد برای بهره‌گیری بهینه از توانمندی‌های مردم در فرایند توسعه پایدار روستایی، رویکرد مدیریتی مبتنی بر جامعه محلی توسط نهادهای محلی است. که آن را رویکرد خود محور برای پوشش دادن مشارکت و توانایی‌های آن‌ها در یک فرایند تصمیم‌گیری جامع و شفاف می‌نامند (رحمانی فضلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۴). بنابراین، توسعه جوامع محلی بدون در نظر گرفتن زنان به عنوان نیمی از جمعیت، امری دست نیافتنی است و مشارکت زنان در صورتی محقق می‌شود که آنان توانمندی مشارکت در امور را داشته باشند. در این صورت زنان می‌توانند نقش مهمی در اجرا، نظارت و ساماندهی برنامه‌های مدیریت و توسعه پایدار

داشتن نقش مهم در اقتصاد خانوار و مدیریت امور خانه، به عنوان عناصری حاشیه‌ای، غیرفعال و غیرمولد شناخته شده و در بهره‌مندی از آموزش‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد، ارتباط با بازار کار و در نهایت مشارکت و تصمیم‌گیری در سطوح خرد و کلان محروم شده‌اند و توانایی‌های آن‌ها بسیار کمتر آنچه در واقع وجود دارد ارزش‌گذاری شده است (خانی و چوبچیان، ۱۳۹۱: ۱۴۱-۱۳۸).

زنان روستایی نیروی عمده‌ای برای ایجاد تحول، منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هرچه بیشتر نرخ اشتغال و میزان رشد تولیدات روستایی هستند و سهم بالایی از تولید ملی و توسعه اقتصادی کشور را به خود اختصاص داده‌اند بنابراین ضرورت دارد تا برنامه‌ریزی برای توسعه و بهره‌مندی هرچه بیشتر از ظرفیت‌های زنان روستایی در ابعاد مختلف مورد توجه دولت مردان قرار گیرد (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در محیط‌های روستایی علاوه بر اینکه از نیروی کار زنان در زمینه‌های اقتصادی و کشاورزی بهره می‌گیرند، نقش تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی آن‌ها می‌تواند عاملی بسیار مهم در حل مسائل مختلف اقتصادی و اجتماعی باشد (خانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۹۶). با وجود کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگ موجود در روستاها، زنان نیازمند احساس اعتماد به نفس، عزت نفس و حس امنیت هستند تا بتوانند در برابر مشکلات و مسائل اجتماعی مصونیت داشته باشند. حضور و مشارکت زنان در گروه توانمندسازی آن‌هاست در واقع توانمندسازی زنان مقدمه لازم برای حضور و مشارکت در جریان توسعه است (خلوتی، ۱۳۸۸: ۱۵۶). توانمندسازی زنان روستا موجب خود پنداره مثبت در آنها می‌شود تا بتوانند اعتماد به نفس و عزت نفس لازم را برای مشارکت در جامعه بدست آورند و حق انتخاب آزادانه و مستقل را برای خود طلب کنند به طوری که، بسیاری از سازمان‌های توسعه بین‌المللی، از جمله

¹Diirro

²World Bank

در روستا داشته باشند (روشن‌روان و همکاران، ۱۳۹۵). وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن در جامعه از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است (کاوایانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۲). امروزه حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و مدیریتی یکی از مصادیق عدالت و توسعه اجتماعی در توزیع متناسب فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی است در واقع حضور زنان در مدیریت روستایی نشان از حضور این قشر جامعه جهت برطرف کردن مشکلات روستا و همچنین نگاه عمیق‌تر به زنان روستایی است. که تا کنون در برنامه‌های روستایی تا حدی نادیده انگاشته شده‌اند (مهربخش و پور رمضان، ۱۳۹۶: ۲۰۷). بسیاری از مطالعات مشارکت ضعیف زنان روستایی در مدیریت، تصمیم و امور سیاسی را تایید می‌کنند (باک و درکنز^۱، ۲۰۰۷: ۲۶۴). زنان روستایی به دلیل کمبود وقت و محدودیت در رفت آمد با توجه به هنجارهای فرهنگی و کارهای خانگی تقریباً در همه جا از جمله مدیریت روستایی نقش کمتری نسبت به مردان دارند (کاریا^۲ و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۴۸). حضور کم رنگ زنان در مدیریت روستایی تحت تاثیر عوامل مختلفی است که از جمله مهمترین آن می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی و فردی (ضعف جسمانی، مهارت کم، آگاهی، اعتماد به نفس و غیره) و باورهای فرهنگی، باورها، سنت‌ها، آداب و رسوم، هنجارها و ارزش‌های موجود در یک جامعه اشاره کرد (سعدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸).

در همین زمینه مناطق شمالی استان تهران از جمله دهستان لواسان کوچک به واسطه نزدیکی به کلانشهر تهران، داشتن موقعیت کوهستانی، جاذبه‌های طبیعی و آب و هوای مساعد به ویژه در فصل گرم سال، باعث شده است به عنوان یک منطقه روستایی گردشگرپذیر شناخته شود. در

همین زمینه علاوه بر گردشگران روزانه که به واسطه جاذبه‌های طبیعی این منطقه مانند: کوه و رودخانه از آن بازدید می‌نمایند، طی سال‌ها و دهه‌های اخیر شاهد گسترش خانه‌های دوم در این دهستان هستیم که در نهایت این موضوع نیز افزایش قیمت زمین و مسکن، بورس بازی زمین و مواردی از این دست را در پی داشته است و در واقع شاهد نوعی از بازساخت روستایی منفی در این دهستان بوده‌ایم. این موضوع علاوه بر تغییر و تحولات اساسی در چهره کالبدی روستاهای این دهستان در بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز با تحولات عمده‌ای همراه بوده است. تا جاییکه بسیاری از روستائیان به دلیل افزایش قیمت زمین اقدام به فروش زمین و مسکن خود نموده که این موضوع نیز منجر به پدیده‌هایی مانند افزایش سکونت (خانه دوم) افراد غیر بومی در روستاها شده است و به نوعی احساس همبستگی اجتماعی، حس همسایگی و هویت مکانی روستائیان را تضعیف نموده است. روستایی که فاقد هویت باشد از خصیصه‌های روستا بودن فاصله دارد و ساکنان احساس خاصی نسبت به روستا نداشته و تمایلی به حل مسائل آن نشان نخواهند داد (سعدی، ۱۳۹۹: ۲۰).

آنچه در اینجا قابل تشخیص بوده، نقش کم رنگ زنان روستایی به عنوان نیمی از جمعیت دهستان لواسان کوچک در تحولات اخیر است. به عبارتی در فرایند رخ داده زنان کمترین مشارکت را در امور مدیریتی و تصمیم‌گیری داشته‌اند و چه بسا اگر زنان مشارکت کافی در امور مدیریتی روستاها داشتند، به دلیل تعلق مکانی و دلبستگی مکانی بیشتر تغییر و تحولات بدین شکل رخ نمی‌داد. آنچه در اینجا دارای اهمیت است ساختارهای محدود کننده زنان روستایی و به عبارتی موانع و چالش‌هایی است که مشارکت در مدیریت مناطق روستایی را محدود می‌نماید. در همین زمینه پژوهش حاضر در پی آن است تا به تحلیل و بررسی

¹Bock and Derkzen

²Kaaria



کننده اعتبار آن است. همچنین ابزار مورد استفاده جهت تحلیل داده‌ها نرم افزار SPSS بوده است. جامعه آماری در این پژوهش به صورت تمام شماری و شامل ۱۵ آبادی دارای سکنه در دهستان لواسان کوچک است که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ کل جمعیت آن‌ها برابر با ۵۶۸۰ نفر و جمعیت زنان آن‌ها برابر با ۲۵۹۵ نفر بوده است. که از این تعداد براساس فرمول کوکران ۳۳۴ نفر از زنان به عنوان نمونه انتخاب و سپس متناسب با حجم نمونه تعداد پرسشنامه‌ها در هر روستا تعیین و توزیع گردید. سوالات پرسشنامه به شناسایی موانع و چالش‌های مشارکت زنان روستایی پرداخته است. پرسشنامه در قالب طیف لیکرت (۱) بسیار کم، (۲) کم، (۳) متوسط، (۴) زیاد، (۵) بسیار زیاد طراحی شد. جهت تحلیل داده از آزمون تحلیل عاملی استفاده گردید.

مهمترین موانع و چالش‌های مشارکت زنان در مدیریت روستاهای دهستان لواسان کوچک پیردازد.

۲. روش تحقیق

روش‌شناسی این مقاله به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت و شیوه تحلیل از نوع توصیفی - تحلیلی بود. در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات به صورت تلفیقی از روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و روش‌های میدانی و تکمیل پرسشنامه با توجه به شاخص‌های استخراج شده از مطالعات نظری استفاده شد (جدول ۱). که این موضوع روایی علمی شاخص‌ها را نیز نشان می‌دهد. بر این اساس بعد از شناسایی شاخص‌های تحقیق و تبدیل آن‌ها به گویه‌های عملیاتی، پرسشنامه جهت تکمیل به صورت تصادفی در اختیار زنان نمونه دهستان لواسان کوچک قرار گرفت. جهت اعتبار سنجی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار آن برابر با ۰/۷۸ به دست آمده و تایید

جدول ۱. شاخص‌های موانع و چالش‌های مشارکت زنان

ویژگی‌های فردی	اجتماعی	اقتصادی
نداشتن انگیزه کافی برای فعالیت، عدم علاقه به روستا و محدودیت‌های جغرافیایی (انزوای جغرافیایی)، اختلال در امور خانه‌داری، عدم استقلال فکری، زیاد بودن مشغله‌های مربوط به امور خانه‌داری، ضعف و محدودیت‌های جسمانی، سطح سواد کمتر، دانش و آگاهی کمتر، توانایی و مهارت مدیریتی کمتر، عدم تجربه کافی، عدم اعتماد به نفس، عدم ریسک پذیری، ترس از شکست، عدم توانایی و مهارت برای مواجهه با شرایط سخت، نداشتن قدرت چانه‌زنی، ضعف در روابط اجتماعی، آشنایی کمتر با فناوری‌های نوین،	محدودیت در رفت و آمدهای برون روستایی، دسترسی کمتر به وسایل ارتباطی، نیاز به اجازه مردان، ترس و واهمه مردان از مشارکت زنان، نگاه سنتی و نامطلوب خانواده، نگاه سنتی و نامطلوب جامعه، وجود هنجارها و تعصبات سوگیرانه نسبت به فعالیت زنان، عدم اعتماد جامعه به توانمندی زنان، عدم حمایت از زنان، بی‌اعتمادی زنان به یکدیگر، رویکرد مذکر گرینی، به رسمیت شناخته نشدن از سوی مردان در محیط کار، عدم فضای مناسب و امن در متن جامعه، عدم سلامت محیط کاری، دسترسی کمتر به آموزش‌های رسمی و غیر رسمی، دسترسی کمتر به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، فرصت‌های کمتر برای تحصیل	عدم استقلال و تمکن مالی، عدم برخورداری از مالکیت، دسترسی کمتر به اعتبارات و تسهیلات، پایین بودن سطح دستمزد، دسترسی ضعیف زنان به منابع تولید مانند سرمایه، دسترسی کمتر به بازار، منزلت پایین مشاغل کشاورزی برای زنان، دسترسی کمتر زنان به مشاغل پر درآمد

منبع: آگهی و همکاران، ۱۳۹۶؛ رضایی و ودادی، ۱۳۹۳؛ عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ خانی و احمدی، ۱۳۸۸؛ محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۹؛ صادق‌قلو و همکاران، ۱۳۹۹؛ صدر موسوی و همکاران، ۱۳۹۵؛ احمدوند و شریف زاده، ۱۳۹۰؛ توپچی و همکاران، ۱۳۹۸؛ احمد پور و همکاران، ۱۳۹۳؛ فاضل نیا و هاشمی، ۱۳۹۴؛ علی بیگی و گلابی، ۱۳۹۲؛ شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۹۸؛ نعیمی و همکاران، ۱۳۹۶؛ رحمان^۱ و همکاران، ۲۰۱۳؛ کاریا^۲ و همکاران، ۲۰۱۶؛ باک و درکنز^۳، ۲۰۰۷

^۱Rahman

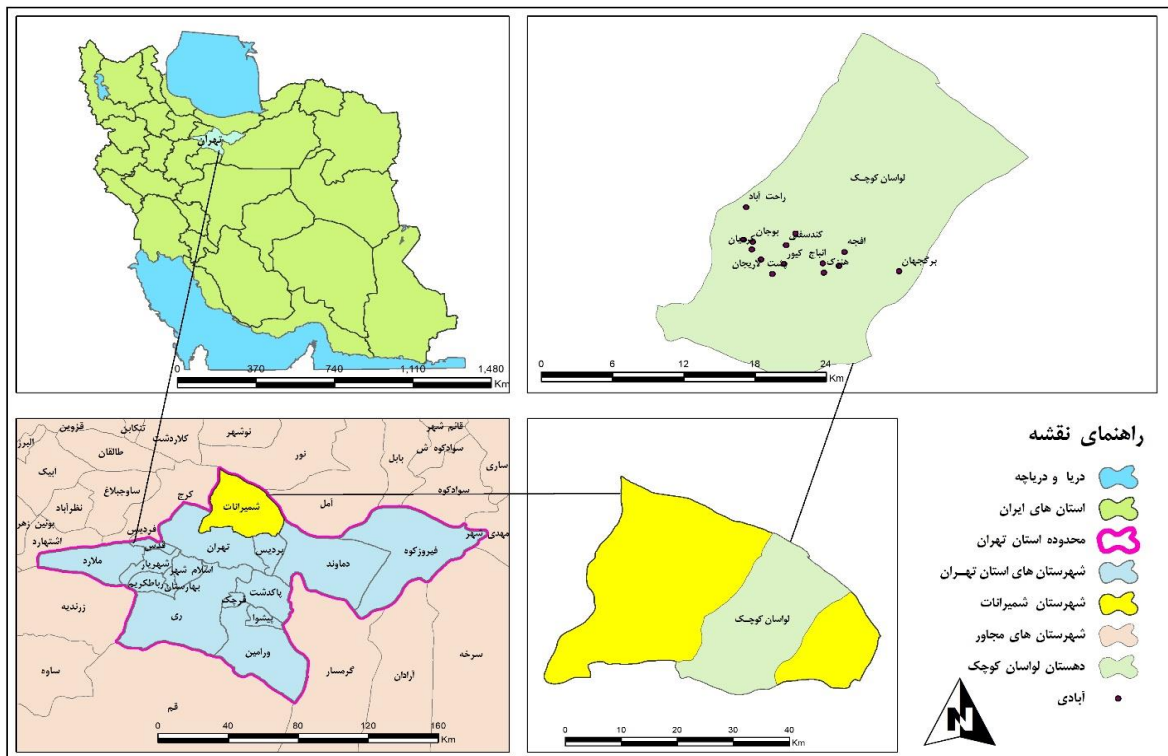
^۲Kaaria

^۳Bock & Derksen

۲. ۱. محدوده مورد مطالعه

دهستان لواسان کوچک براساس تقسیمات سیاسی کشور در سال ۱۳۹۵، در شمال استان تهران، شهرستان شمیرانات، بخش لواسانات واقع شده است. این دهستان به لحاظ شرایط توپوگرافی و موقعیت طبیعی در یک منطقه کوهستانی و در دامنه جنوبی کوه‌های البرز واقع شده است. این دهستان به دلیل شرایط جغرافیایی، موقعیت کوهستانی، سردی هوا و کمبود زمین، در برخی فعالیت‌های کشاورزی از جمله زراعت دارای محدودیت است اما از طرف دیگر از منابع آب کافی برخوردار است که علاوه بر گردشگری، امکان فعالیت‌هایی مانند باغداری و دامداری در این دهستان را فراهم نموده است (سالنامه آماری استان تهران، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۷). دهستان لواسان کوچک یکی از سه دهستان شهرستان شمیرانات است که از شمال و شمال شرق به شهرستان‌های

آمل و نور (استان مازندران)، از شرق به دهستان لواسان بزرگ، از غرب به دهستان رودبار قصران و از جنوب به دهستان سیاهرود و محدوده قانونی شهر تهران محدود می‌شود. دهستان لواسان کوچک بین طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۳ دقیقه شرقی تا عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۶ دقیقه شمالی واقع شده است (عزیزپور و شمسی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). این دهستان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مجموعاً دارای ۲۷ آبادی بوده است که از این تعداد ۱۵ آبادی دارای سکنه و ۱۲ آبادی خالی سکنه بوده‌اند. که در این مقاله نیز تمام روستاهای دارای سکنه دهستان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (شکل ۱). در همین دوره جمعیت روستایی دهستان مجموعاً برابر با ۵۶۸۰ نفر و جمعیت شهری دهستان (شهر لواسان) برابر با ۱۸۱۴۶ نفر بوده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵).



شکل ۱. موقعیت روستاهای دهستان لواسان کوچک، منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰

۳. یافته‌های تحقیق

در روش تحلیلی دو هدف اصلی مشهود است، نخست شناسایی عوامل زیربنایی یا زمینه‌ساز متغیرها که در این راستا

وجه مشترک متغیرها را با توجه به واریانس مشترک شناسایی و سپس به وسیله پژوهشگر نامگذاری می‌شود. هدف دوم تحلیل عاملی، شناسایی روابط بین متغیرهای



مدیریت روستایی با مجموع ۷۲/۲۸۷ واریانس شناسایی گردید. به عبارتی عوامل اصلی شناسایی شده ۷۲ درصد از تغییرات مربوط به موانع و چالش‌های مشارکت زنان را تبیین می‌نمایند (جدول ۳).

جدول ۳. مجموع واریانس تبیین شده توسط عوامل

عوامل	کل	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل یک	۵/۵۷۳	۱۲/۹۶۰	۱۲/۹۶۰
عامل دو	۵/۵۱۷	۱۲/۸۲۹	۲۵/۷۹۰
عامل سه	۴/۱۶۱	۹/۶۷۷	۳۵/۴۶۷
عامل چهار	۳/۹۲۴	۹/۱۲۷	۴۴/۵۹۳
عامل پنج	۲/۸۲۱	۹/۵۶۰	۵۱/۱۵۳
عامل شش	۲/۶۲۳	۶/۱۰۰	۵۷/۲۵۴
عامل هفت	۲/۱۵۴	۵/۰۰۹	۶۲/۲۶۳
عامل هشت	۱/۷۳۷	۴/۰۳۹	۶۶/۳۰۱
عامل نه	۱/۳۴۵	۳/۱۲۹	۶۹/۴۳۰
عامل ده	۱/۲۲۸	۲/۸۵۶	۷۲/۲۸۷

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰

در ادامه جهت تحلیل و تفسیر عامل‌های شناسایی شده، امتیازهای عاملی ذیل هر گروه محاسبه شد. و گزاره‌های دارای امتیاز عاملی بیشتر از ۰/۷ مبنای تحلیل و تفسیر عامل‌ها قرار گرفت (جدول ۴).

جدول ۴. ماتریس عاملی چرخش یافته

شناسه	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶	عامل ۷	عامل ۸	عامل ۹	عامل ۱۰
Q1	۰/۸۵۷									
Q2	۰/۸۰۲									
Q3	۰/۷۹۳								۰/۳۱۶	
Q4	۰/۷۷۹				۰/۳۱۳					
Q5	۰/۷۴۶									
Q6	۰/۷۰۹									
Q7	۰/۷۰۱									
Q8	۰/۶۵۸				۰/۴۸۳					
Q9		۰/۸۴۰								
Q10		۰/۷۹۷								
Q11		۰/۷۷۸								
Q12		۰/۷۶۵								
Q13		۰/۷۲۸								

جدید (عامل) است. با وجود توانمندی این روش در تحلیل داده‌ها، امکان استفاده از آن در هر شرایطی وجود ندارد. داده‌هایی برای تحلیل عاملی مناسب هستند که شایستگی لازم برای این کار را داشته باشند. بدین منظور از آزمون بارتلت و ضریب KMO استفاده می‌نمایند، چنانچه مقدار KMO بالاتر از ۰/۵ باشد، می‌توان با اطمینان خاطر از تحلیل عاملی استفاده نمود. این ضریب در مطالعه حاضر ۰/۸۴۳ بدست آمده که به لحاظ آماری نیز معنی دار است (Sig=0/000). بنابراین داده‌ها کفایت لازم برای انجام آزمون تحلیل عاملی را دارند (جدول ۲).

جدول ۲. آزمون کایزر مایر و بارتلت و کفایت نمونه‌گیری

شاخص کایزر مایر	۰/۸۴۳
مجدورخی	۵۰۸۵/۵۵۴
درجه آزادی	۹۰۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰

بعد از این جهت شناسایی الگوی ذهنی افراد مشارکت کننده از شیوه تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از ماتریس همبستگی استفاده شد. چرخش عامل‌ها نیز با استفاده از روش واریماکس صورت گرفت. سرانجام ۱۰ عامل به عنوان مهمترین موانع و چالش‌های مشارکت زنان در

شناسه	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶	عامل ۷	عامل ۸	عامل ۹	عامل ۱۰
Q14		۰/۷۱۷								
Q15		۰/۶۸۶								
Q16		۰/۵۱۴					۰/۴۱۳			
Q17		۰/۵۰۵					۰/۴۴۲			
Q18			۰/۸۴۸							
Q19			۰/۸۳۵							
Q20			۰/۸۱۹							
Q21			۰/۷۶۴							
Q22			۰/۶۹۶						۰/۳۱۲	
Q23				۰/۸۵۹						
Q24				۰/۸۴۴						
Q25				۰/۸۳۴						
Q26				۰/۸۲۵						
Q27				۰/۷۲۴						
Q28	۰/۳۵۷			۰/۷۷۱						
Q29	۰/۴۰۹			۰/۷۳۵						
Q30	۰/۴۵۰			۰/۶۷۱						
Q31				۰/۵۶۵			۰/۳۱۶			
Q32					۰/۸۳۹					
Q33					۰/۷۷۵					
Q34					۰/۷۶۵					
Q35					۰/۷۰۸					
Q36		۰/۳۴۰			۰/۵۹۱					
Q37					۰/۴۴۹	۰/۳۶۵				
Q38							۰/۸۳۰			
Q39						۰/۳۱۲	۰/۷۹۹			
Q40								۰/۷۳۰		
Q41							۰/۴۱۸	۰/۴۶۶		
Q42		۰/۳۳۴						۰/۴۵۳		
Q43		۰/۳۱۶								۰/۶۹۰

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰

کمبود دسترسی، عامل فرهنگ، عامل نابرابری، عامل تردد و عامل وابستگی است.

ساختارهای اجتماعی: براساس جدول ۴ و ۶ عامل ساختارهای اجتماعی ۱۲/۹۶۰ درصد از واریانس کل موانع و چالش‌های پیش روی مشارکت زنان را تبیین می‌کند. این عامل شامل گزاره‌های عدم فضای مناسب در جامعه برای

در ادامه گزاره‌های دارای امتیاز عاملی بالاتر از ۰/۷ ذیل هر یک از گروه‌ها مشخص شد. به این ترتیب، در این عامل‌ها هشت دسته از چالش‌ها و موانع مشارکت زنان در مدیریت روستایی در دهستان لواسان کوچک شناسایی شد که این چالش شامل: ساختارهای اجتماعی، عامل ویژگی‌های فردی، عامل عدم مهارت و آگاهی کافی، عامل



زنان، ضعف آگاهی مدیران از مدیریت زنان، عدم سلامت
 محیط کاری، به رسمیت شناخته نشدن زنان، عدم حمایت
 عامل موانع و چالش‌های اجتماعی به تنهایی حدود ۱۳
 درصد از موانع و چالش‌های مشارکت زنان در مدیریت
 زنان از زنان و رویکرد مذکر‌گزینی است. به بیان دیگر
 روستایی دهستان لواسان کوچک را پوشش می‌دهد.

جدول ۶. گزاره‌های با بیشترین امتیاز عاملی در هر کدام از عامل

امتیاز عاملی	گزاره	عامل‌ها
۰/۸۵۷	عدم فضای مناسب در جامعه برای زنان	ساختارهای اجتماعی
۰/۸۰۲	ضعف آگاهی مدیران از مدیریت زنان	
۰/۷۹۳	عدم سلامت محیط کاری	
۰/۷۷۹	به رسمیت شناخته نشدن زنان	
۰/۷۴۶	عدم حمایت زنان از زنان	
۰/۷۰۱	رویکرد مذکر‌گزینی	
۰/۸۴۰	ترس از شکست	ویژگی‌های فردی
۰/۷۹۷	ضعف در چانه زنی با مردان	
۰/۷۷۸	ضعف در ارتباط با مسئولان	
۰/۷۶۵	ریسک پذیری پایین	
۰/۷۲۸	ضعف در مقابله با مشکلات	
۰/۷۱۷	اعتماد به نفس پایین	
۰/۸۴۸	ضعف در مسئولیت پذیری	عدم مهارت و آگاهی کافی
۰/۸۳۵	ضعف در آگاهی از مقررات	
۰/۸۱۹	پایین بودن سطح سواد	
۰/۷۶۴	ضعف مهارت‌های مدیریتی	دسترسی محدود
۰/۸۵۹	دسترسی کمتر به فناوری اطلاعات	
۰/۸۴۴	دسترسی کمتر به آموزش رسمی	
۰/۸۳۴	دسترسی کمتر به آموزش ترویجی	
۰/۸۲۵	دسترسی کمتر به نهادها و سازمان‌ها	
۰/۷۲۴	دسترسی کمتر به تسهیلات	فرهنگ و سنت
۰/۷۷۱	نگاه سنتی و نامطلوب جامعه	
۰/۷۳۵	نگاه سنتی خانواده	نابرابری
۰/۸۳۹	ایجاد اختلال در امور خانه‌داری	
۰/۷۷۵	نداشتن فرصت اقتصادی	
۰/۷۶۵	نداشتن استقلال فکری	محدودیت تردد
۰/۷۰۸	محدودیت در رفت و آمد	
۰/۸۳۰	نداشتن تمکن مالی	جبر و وابستگی
۰/۷۹۹	عدم علاقه به روستا	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

ویژگی‌های فردی: همان‌گونه که جدول ۴ و ۶ واریانس کل را تبیین می‌کند. در واقع حدود ۱۲/۸ درصد از
 نشان می‌دهد عامل ویژگی‌های فردی ۱۲/۸۲۹ درصد از موانع و چالش‌های مشارکت زنان دهستان لواسان کوچک

در مدیریت روستایی مربوط به ترس از شکست، ضعف در چانه زنی با مردان، ضعف در ارتباط با مسئولان، ریسک پذیری پایین، ضعف در مقابله با مشکلات، اعتماد به نفس پایین است.

عدم مهارت و آگاهی کافی: عامل عدم مهارت و

آگاهی کافی در بین زنان ۹/۶۷۷ درصد از واریانس کل را نشان می‌دهد که شامل ضعف زنان در مسئولیت پذیری، ضعف زنان در آگاهی از مقررات، پایین بودن سطح سواد زنان، ضعف زنان در مهارت‌های مدیریتی است که برای زنان روستایی در مدیریت چالش و مانع ایجاد می‌کنند. به عبارتی این عامل به تنهایی نزدیک به ۱۰ درصد از موانع و چالش‌های مشارکت زنان دهستان لواسان کوچک در مدیریت روستایی را تبیین می‌کند (جدول ۴ و ۶).

دسترسی محدود: گزاره‌هایی که در عامل چهارم

قرار گرفتند عبارتند از: دسترسی کمتر به فناوری اطلاعات، دسترسی کمتر به آموزش رسمی، دسترسی کمتر به آموزش ترویجی، دسترسی کمتر به نهادها و سازمان‌ها، دسترسی کمتر به تسهیلات. به طوریکه این عامل به تنهایی ۹/۱۲۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. در واقع این عامل حدود ۹ درصد از موانع و چالش‌های مشارکت زنان در دهستان لواسان کوچک را پوشش می‌دهد.

فرهنگ و سنت: بر اساس جدول ۴ و ۶، موانع و

چالش‌های مربوط به فرهنگ و سنت ۶/۵۶۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نماید. و به عبارتی ۶/۵۶۰ درصد از موانع و چالش‌های پیشروی زنان برای مدیریت نواحی روستایی مربوط به دید سنتی و نامطلوب جامعه و دید سنتی خانواده می‌شود.

ناابرابری: عامل وجود نابرابری در داشتن برخی

فرصت‌ها به تنهایی ۶/۱۰۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. و شامل ایجاد اختلال در امور خانه‌داری به دلیل اشتغال بیرون از منزل، نداشتن فرصت اقتصادی، نداشتن استقلال فکری می‌شود. به عبارتی حدود ۶ درصد از موانع و

چالش‌های مشارکت زنان دهستان لواسان کوچک در مدیریت روستایی ناشی از گزاره‌های مورد اشاره در این عامل است (جدول ۴ و ۶).

محدودیت تردد: محدودیت در رفت و آمد به

عنوان عامل هفتم مجموعاً ۵/۰۰۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نماید. بنابراین عامل محدودیت در رفت و آمد و تردد به تنهایی حدود ۵ درصد از موانع و چالش‌های مشارکت زنان در دهستان لواسان کوچک را شامل می‌شود (جدول ۴ و ۶).

جبر و وابستگی: نداشتن تمکن مالی و عدم علاقه به

روستا (انزوای جغرافیایی) مجموعاً ۴/۰۳۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. بنابراین عامل جبر و وابستگی زنان حدود ۴ درصد از موانع و چالش‌های مشارکت زنان دهستان لواسان کوچک در مدیریت روستایی را پوشش می‌دهد (جدول ۴ و ۶).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

طی دهه‌های گذشته مسائل مربوط به مشارکت زنان در فرایند برنامه‌های توسعه وارد دستور کار بسیاری از سازمان‌های ملی و بین‌المللی شده است که هدف از این فعالیت‌ها آگاه ساختن مردم از پایگاه اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی زنان است که پیش از این از نظرها پنهان بوده‌اند. چراکه هیچ برنامه‌ای بدون توجه به آنان به اهداف خود نمی‌رسد و هیچ توسعه‌ای پایدار و کامل نخواهد بود (سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). در این زمینه، مدیریت روستایی به نحو صحیح به عنوان یک اصل اساسی برای رسیدن به توسعه روستایی مطلوب به شمار می‌رود. همچنین زنان به عنوان عواملی مهم در فرایند توسعه پایدار نقش چشم‌گیری را ایفا می‌کنند اما بر اساس مطالعات صورت گرفته، آنچه در واقعیت دیده می‌شود زنان نه تنها نقش اساسی در روستا ندارند بلکه براساس عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به حاشیه رانده شده‌اند. زنان به خصوص



تحت تاثیر ویژگی‌های جغرافیایی ساختارهای اجتماعی متفاوت و مناسبات جنسیتی متفاوتی نیز حاکم باشد (خانگی و چوپچیان، ۱۳۹۱). ویژگی‌های فردی زنان دومین مانع مهم در مشارکت زنان است. زنان عموماً به دلیل اعتماد به نفس کمتر، قدرت ریسک پذیری پایین، ترس از شکست، ضعف در ارتباطات و ضعف در مواجهه با مشکلات کمتر برای مشارکت در امور مدیریتی روستاها تلاش می‌نمایند. آگاهی و همکاری‌ان (۱۳۹۶) و عنابستانی و همکاری‌ان (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. از دیگر موانع مشارکت زنان عدم برخورداری از مهارت و آگاهی کافی زنان است. ضعف در پذیرش مسئولیت، پایین بودن سطح سواد، عدم آگاهی نسبت به مقررات و نداشتن مهارت‌های مدیریتی باعث شده است زنان مشارکت کمتری در مدیریت روستاهای دهستان لواسان کوچک داشته باشند. این بخش از نتایج با نتایج پژوهش ودادی و رضایی (۱۳۹۳)، عنابستانی و همکاری‌ان (۱۳۹۱) و احمدوند و همکاری‌ان (۱۳۹۰) همخوانی دارد. دسترسی محدود به امکانات و خدمات ضروری مانند؛ امکانات آموزشی و ترویجی، فناوری اطلاعات، نهادها، سازمان و تسهیلات از دیگر موانع پیشروی زنان برای مشارکت در مدیریت روستاهای دهستان لواسان کوچک است. یعقوبی فرانی و همکاری‌ان (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. از دیگر موانع مشارکت زنان می‌توان به برخی آداب و سنن قدیمی جامعه و خانواده اشاره کرد. همچنین وجود برخی نابرابری‌ها مانند مدیریت امور خانه توسط زنان، نداشتن تمکن مالی، فرصت اقتصادی کمتر، نداشتن استقلال فکری و وابستگی زنان از دیگر موانع مشارکت زنان روستایی در دهستان لواسان کوچک است. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان اظهار داشت عمده موانع پیشروی مشارکت زنان در مدیریت نواحی روستایی در طول تاریخ و از زمان‌های گذشته به مرور شکل گرفته

زنان روستایی تابع فرهنگ و سنت‌های کهن هستند که این امر موجب انزوای زنان در مشارکت و مدیریت امور روستا شده است. در همین زمینه پژوهش حاضر بر آن بوده است تا بازساخت روستایی منفی در دهستان لواسان کوچک را از نگاه عدم مشارکت یا مشارکت محدود زنان در مدیریت روستاها مورد بررسی قرار دهد. در همین زمینه با انجام مطالعات میدانی و بعد از آن تحلیل داده‌های گردآوری شده به روش تحلیل عاملی سعی شده است تا ضمن خلاصه‌سازی گزاره‌های اثرگذار در مشارکت محدود زنان، مهمترین موانع و چالش‌های مشارکت زنان در مدیریت روستاهای دهستان لواسان کوچک شناسایی و مورد تحلیل قرار دهد. یافته‌های پژوهش در نهایت هشت عامل اصلی شامل؛ ساختارهای اجتماعی، ویژگی‌های فردی، عدم مهارت و آگاهی کافی زنان، دسترسی محدود، عامل فرهنگ و سنت، تردد، نابرابری و عامل جبر و وابستگی به عنوان مهمترین موانع و چالش‌های پیش روی زنان دهستان لواسان کوچک برای مشارکت در مدیریت روستایی شناسایی شدند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که از بین عامل‌های مورد بررسی دو عامل ساختارهای اجتماعی و ویژگی‌های فردی بیشترین نقش را در کاهش مشارکت یا مشارکت محدود زنان در مدیریت نواحی روستایی دارند. ساختارهای اجتماعی که ممکن است در زمان طولانی مدت ایجاد شده باشند به عنوان مهمترین مانع مشارکت زنان در مدیریت روستایی شناخته شده است چرا که در این ساختارها رویکرد مردگزینی غالب بوده و کمتر اجازه مشارکت زنان در سطوح مدیریتی روستا را می‌دهد. این بخش از نتایج پژوهش با یافته‌های قنبری و همکاری‌ان (۱۳۹۱) تطابق دارد که در پژوهش خود ممانعت مردان به عنوان بخشی از ساختارهای اجتماعی را مانع مهمی در برابر مشارکت زنان دانسته‌اند. گرچه در فضاها روستایی مختلف ممکن است

زمینه‌های لازم برای مشارکت در مدیریت نواحی روستایی می‌توانند نواحی روستایی را به فضاهایی سرزنده‌تر و زیست‌پذیرتر تبدیل نمایند. در دهستان لواسان کوچک نیز می‌توان انتظار داشت تا با فراهم شدن مقدمات مشارکت زنان در مدیریت روستایی بسیاری از آشفتگی‌های کالبدی و فرهنگی متأثر از تحولات دهه‌های اخیر کاهش پیدا کند یا حداقل به شکل منطقی رخ دهد و روستاهای این دهستان بتوانند هویت خود را حفظ نموده و فرایند توسعه پایدار را به درستی طی نمایند.

است و نمی‌توان این موانع را به سرعت برطرف نمود، بلکه لازم است در یک فرایند منطقی و بلندمدت با مد نظر قرار دادن پیشران‌های موثر بر ارتقاء مشارکت زنان، موانع را برطرف نمود. در همین زمینه می‌توان با افزایش امکانات آموزشی و ترویجی برای زنان، ایجاد زمینه جهت برقراری ارتباط با زنان موفق و توجه به اشتغال زنان، ضمن توانمندسازی زنان مشارکت آن‌ها در مدیریت روستایی را نیز ارتقاء بخشید. زنان عموماً نسبت به مردان دارای دلبستگی و هویت مکانی بیشتری هستند و در صورت فراهم شدن

فهرست منابع

- آگهی، حسین، بینائیان، اکرم و صابر فتاحی. ۱۳۹۶. "بررسی موانع فردی و خانوادگی مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی روستا (مورد مطالعه: شهرستان هرسین - دهستان شیرز)". **فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی**. جلد ۴، شماره ۱. صص ۳۸-۲۱.
- احمدپور، امیر، علیزاده، مستانه و هادی مومنی هلالی. ۱۳۹۳. "شناسایی عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی مراکز خدمات جهاد کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان آمل)". **مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی**. سال ۳، شماره ۸. صص ۴۹-۳۷.
- احمدوند، مصطفی و مریم شریف زاده. ۱۳۹۰. "تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان بویر احمد)". **مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان**. سال ۹، شماره ۳، صص ۱۶۶-۱۳۹.
- توپچی، بهروز، شهپر، گراوندی و رسمتی، فرحناز، ۱۳۹۸. "واکاوی پیشران‌های موثر بر سطوح مشارکت پذیری زنان روستایی در پیشبرد اهداف صندوق‌های اعتبارات خرد استان کردستان". **فصلنامه راهبرد توسعه**. سال ۱۵، شماره ۲، صص ۱۳۲-۱۰۸.
- خانی، فضیله و شهلا چوپچیان. ۱۳۹۱. "مناسبات جنسیتی در فضاهای روستایی و تأثیر آن بر مشارکت زنان (مطالعه مقایسه‌ای دهستان مریدان شهرستان لنگرود استان گیلان و دهستان هولی شهرستان پاره استان کرمانشاه)". **پژوهش‌های روستایی**. سال سوم، شماره ۳. صص ۱۵۸-۱۳۵.
- خانی، فضیله و منیژه احمدی. ۱۳۸۸. "تبیین عوامل موثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: محدوده روستایی چیر - یامچی شهرستان زنجان)". **پژوهش زنان**. دوره ۷، شماره ۴. صص ۱۱۳-۹۵.
- خلوتی، ملیحه. ۱۳۸۸. "بررسی میزان توانمندی زنان خانه دار و عوامل موثر بر آن در شهر شیراز ۱۳۸۶". **فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی**. سال دوم، شماره ۴. صص ۱۷۱-۱۵۳.
- دادورخانی، فضیله و سمیه سادات موسوی. ۱۳۹۹. "تحلیل عوامل موثر بر فرایند تصمیم‌گیری در پذیرش کارآفرینی در بین زنان روستایی (مورد مطالعه: دهستان سولقان)". **فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی**. دوره ۱۵، شماره ۱. صص ۱۸۱-۱۶۱.



- رحمانی فضلی، عبدالرضا، منشی زاده، رحمت الله، رحمانی، بیژن و جهانبخش علیپوریان. ۱۳۹۶. "تحلیل جایگاه مدیریت روستایی مبتنی بر رویکرد حکمروایی خوب در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: مقایسه بخش مرکزی کوهدشت و بخش لواسانات شمیرانات). **مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی**. سال ششم، شماره ۱. صص ۱۵۲-۱۳۳.
- رضایی، روح الله و الهام ودادی. ۱۳۹۳. "شناسایی و تحلیل موانع مشارکت اقتصادی زنان در مناطق روستایی استان زنجان (مطالعه موردی: دهستان ابهررود)". **تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران**. دوره ۴۵، شماره ۳. صص ۵۱۰-۵۰۱.
- روشن‌روان، حمید، صدری فر افسانه و سارا ابراهیمی. ۱۳۹۵. "ارزیابی عملکرد دهیاران زن در فرایند توسعه روستایی از دیدگاه روستائیان (نمونه موردی: روستای رضا آباد غربی در شهرستان شیروان)". نخستین کنگره ملی زنان موفق ایران. تهران. مرکز همایش‌های بین‌المللی توسعه داتیس.
- سروش مهر، هما، رفیعی، حامد، کلاتری، خلیل و حسین شعبانعلی فمی. ۱۳۸۹. "بررسی پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی و عوامل موثر بر بهبود آن مطالعه موردی: شهرستان همدان". **فصلنامه پژوهش‌های روستایی**. دوره ۱. شماره ۱. صص ۱۶۶-۱۴۳.
- سعدی، سیما. ۱۳۹۹. "نقش منظر طبیعی و فرهنگی سکونتگاه‌های کوهستانی در شکل‌گیری هویت روستایی (مورد مطالعه: شهرستان میروان)". **فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی**. سال اول، شماره ۳. صص ۳۵-۱۹.
- سعدی، حشمت اله، یعقوبی فرانی، احمد، زلیخائی سیار، لایلا و فاطمه قهرمانی. ۱۳۹۶. "تحلیل موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان تویسرکان)". **مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی**. سال ۶، شماره ۱. صص ۴۸-۳۵.
- شعبانعلی فمی، حسین، جعفری، فاطمه، سواری، مسلم، شوکتی آملی، محمد و مهسا معتقد. ۱۳۹۸. "واکاوی سازه‌های تاثیر گذار بر بهبود مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار". **زن در توسعه و سیاست**. دوره ۱۷، شماره ۴. صص ۶۳۰-۶۰۳.
- صادق‌قلو، طاهره، خوب، شادی و شیرین صاحبی. ۱۳۹۹. "بررسی تاثیرات تبعیض جنسیتی بر میزان مشارکت پذیری زنان روستایی (منطقه مورد مطالعه: دهستان‌های گل‌مکان و رادکان شهرستان چناران)". **زن در توسعه و سیاست**. دوره ۱۸، شماره ۱. صص ۵۳-۲۳.
- صدر موسوی، میرستار، کریم‌زاده، حسین و عقیل خالقی. ۱۳۹۵. "تحلیلی بر عوامل مشارکت پایین زنان روستایی در نیروی کار با استفاده از روش آمیخته مورد: دهستان سینا در شهرستان ورزقان". **فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی**. سال ۵، شماره ۲. صص ۲۰-۱.
- طالب، مهدی و زهره نجفی اصل. ۱۳۸۶. "پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س) در روستاهای بوئین زهرا". **روستا و توسعه**. دوره ۱۰، شماره ۳. صص ۲۵-۱.
- علی بیگی، امیرحسین و سوده گلابی. ۱۳۹۲. "تحلیل میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان فلاورجان در تعاونی‌ها: کاربرد نردبان مشارکت شری آرنستین". **فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه**. سال چهارم. شماره ۴. صص ۴۴-۲۱.
- عزیزپور، فرهاد و رقیه شمسی. ۱۳۹۳. "نقش عوامل محیطی در سازمان فضایی سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: دهستان لواسان کوچک". **نشریه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)**. شماره ۸۹. صص ۱۱۲-۱۰۶.
- عناستانی، علی اکبر، جوان، جعفر و سحر احمدزاده. ۱۳۹۱. "بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی زنان و مشارکت آنان در فرایند توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان درزآب - شهرستان مشهد)". **مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**. سال ۳، شماره ۱۲. صص ۷۸-۶۱.
- فاضل نیا، غریب و رضوان هاشمی. ۱۳۹۴. "تحلیل باورهای اجتماعی - فرهنگی بازدارنده مشارکت زنان روستایی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: شهرستان رستم". **فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه**. سال ششم، شماره ۱. صص ۶۶-۴۱.

- قاسمی، وحید و زهرا ذاکری. ۱۳۸۹. "تحلیل تطبیقی نگرش سیاسی زنان و مردان در شهر اصفهان (از محافظه کاری تا آزادی خواهی)". **زن در توسعه و سیاست**. دوره ۲، شماره ۲، صص ۳۰-۷.
- قنبری، یوسف، حجاریان، احمد، انصاری، رحیمه و فاطمه کیانی. ۱۳۹۱. "شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان فریدونشهر)". **مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی**. شماره دوم، صص ۸۸-۷۱.
- کاویانی راد، مراد، ایرانی هریس صیاد و محمد بی نیاز. ۱۳۹۹. "سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کردستان و ارتباط آن با مخاطرات انسانی". **فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی**. سال اول، شماره ۴، صص ۶۷-۵۱.
- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستایی. ۱۳۸۲. "توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه". **زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)**. دوره ۱، شماره ۷، صص ۳۰-۵.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن. ۱۳۹۲. "برنامه‌ریزی روستایی با تاکید بر ایران". چاپ ششم. مشهد. انتشارات: جهاد دانشگاهی.
- مهربخش، زهرا و عیسی پور رمضان. ۱۳۹۶. "عملکرد دهیاران زن در فرایند توسعه روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان رشت)". **جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران)**. سال ۱۵، شماره ۵۵، صص ۲۱۸-۲۰۵.
- محسنی تبریزی، علیرضا، غفاری، غلامرضا، نایی، هوشنگ و محمد عفتی. ۱۳۹۹. "تبیین جامعه شناختی مشارکت زنان در معیشت جامعه روستایی (مطالعه موردی: استان خراسان شمالی)". **روستا توسعه**. سال ۲۳، شماره ۹۰، صص ۱۷۹-۱۵۷.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۷. سالنامه آماری استان تهران.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۵. سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- نعیمی، امیر، نجفلو، پریسا، صلاحی مقدم، نفیسه و سیده شیرین گل‌باز. ۱۳۹۶. "عوامل‌های موثر بر مقدار مشارکت زنان روستایی گرمسار در فعالیتهای روستایی". **فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه**. سال هشتم، شماره ۱، صص ۲۲-۱.
- یعقوبی فرانی، احمد، سلیمانی، عطیه، موحدی، رضا وفرزاد اسکندری. ۱۳۹۲. "تأثیر عوامل آموزشی و نهادی بر کارآفرینی زنان روستایی (مورد مطالعه: استان همدان)". **فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی**. سال ششم، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- Bock, B.B. and Derksen, P., 2007. Barriers to women's participation in rural policy making. ***In Gender regimes, citizen participation and rural restructuring***. Emerald Group Publishing Limited.
- Diirro, G.M., Seymour, G., Kassie, M., Muricho, G. and Muriithi, B.W., 2018. Women's empowerment in agriculture and agricultural productivity: Evidence from rural maize farmer households in western Kenya. ***PloS one***, 13(5), p.e0197995.
- Handy, F., Kassam, M. and Contact, P., 2004, July. Women's empowerment in rural India. ***In International Society for Third Sector Research Conference***, Toronto Canada (Vol. 4, pp. 1-18).
- Kaaria, S., Osorio, M., Wagner, S. and Gallina, A., 2016. Rural women's participation in producer organizations: An analysis of the barriers that women face and strategies to foster equitable and effective participation. ***Journal of Gender, Agriculture and Food Security (Agri-Gender)***, 1(302-2016-4754), pp.148-167.
- Losindilo, E., Mussa, A.S. and Akarro, R.R.J., 2010. Some factors that hinder women participation in social, political and economic activities in Tanzania. ***Arts and Social Sciences Journal***, 4(1), pp.1-10.



Rahman, R.I. and Islam, R., 2013. Female labour force participation in Bangladesh: trends, drivers and barriers (No. 994834893402676). *International Labour Organization*.

World Bank, 2012, Gender and Development. Women and rural development.



Analyzing the Challenges of Women's Participation in Rural Areas Management (Case study: Lavasan Kouchak Rural District, Shemiranat County)

Hassanali Faraji Sabokbar, Associate Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

Bahman Tahmasi^{*1}, Ph.D Student, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

Fatemeh Salimi, M.A Student, Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 18 November 2020

Accepted: 1 March 2021

Abstract

Participation is recognized as one of the important indicators of sustainable development. Over the past decades, women's participation in the process of development programs has been significantly on the agenda. Because experts believe that without the active participation of women in all areas, there will be no complete and sustainable development. The purpose of this study is to identify and analyze the most important obstacles and challenges facing women's participation in the management of rural villages in Lavasan Kuchak. This article is applied in terms of purpose and descriptive-analytical. In this research, in order to collect information in a combined way, library and documentary methods and field methods and completing a questionnaire according to the extracted indicators from theoretical studies have been used, which shows the scientific validity of the indicators. Cronbach's alpha (0.78) was used to validate the questionnaire items. The statistical population in this study includes the population of women in 15 villages living in Lavasan Kouchak sub-district. The population of women in Lavasan Kouchak village was equal to 2595 people. From this number, 334 people were selected as a sample based on Cochran's formula and based on the sample size; the number of questionnaires in each village was determined and distributed. Factor analysis method was used in SPSS software to analyze the data. The findings show eight factors; Social structures, individual characteristics of women, lack of skills and awareness, limited access, culture and tradition, inequality of opportunity, limited travel and coercion and dependence have been identified as the most important obstacles and challenges of women's participation in rural management of Lavasan Kuchak village.

Keywords: Women's Participation, Rural Management, Lavasan Kouchak Rural District

^{*1} Corresponding Author: email: bahman.tahmasi@ut.ac.ir

To cite this article:

Faraji Sabokbar, H., Tahmasi, B., and Salimi, F (2021), Analyzing the challenges of women's participation in rural areas management (Case study: Lavasan Kouchak Rural District, Shemiranat County), Journal of Geographical Studies of Mountainous Areas, 2(6), 51-66. Doi:10.52547/gsma.2.2.51